الباب الثانی من الواحد السابع فی النیة حیث ینبغی ان…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثانی من الواحد السابع** فی النیة حیث ینبغی ان لا یعمل احد من عمل الا و یقولن بلسانه انی لاقومن او اقعدن لله رب السموات و رب الارض رب کلشیئ رب ما یری و ما لا یری رب العالمین و ان یقرء بقلبه یجزی عنه.

ملخص این باب آنکه هیچ عملی عمل نمیگردد الا آنکه لله واقع شود و از این جهت امر شده که هر عاملی حین عمل گوید انی لاعملن هذا لله رب السموات و رب الارض رب ما یری و ما لا یری رب العالمین و اگر در قلب تلاوت کند مجزی است از او ولی لله واقع نمیگردد عمل مگر آنکه معرفت بهم رسانند بشجرۀ حقیقت که این آیه آیتی است از آیات او و بآیه او در نفس خود از او محتجب نگردید در یوم قیامت

چنانچه در قرآن هر کس عامل از برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - و حروف حی او بود عامل از برای خدا بود و محبوب نیست که کسی عمل کند از برای کسی الا آنکه لله کند و لله نمیشود الا آنکه از برای آن ظهور کند امروز عبادی که در انجیل عاملند کل از برای خدا میکنند بامر عیسی - علیه السلام - اگر چه تا قبل از روز رسول الله - صلی الله علیه و اله - لله بود ولی حین ظهور لدون الله میشود بلکه در آن ظهور باید از برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - کند که آن وقت لله ثابت میگردد و همچنین عبادی که در بیان عاملند از برای خدا واین آیه را میخوانند اگر در یوم ظهور ”من یظهره الله“ از برای او عمل کردند لله کرده اند و الا باطل میگردد که گویا هیچ عمل نکرده اند

این در صورت اصل دین است دیگر فرع آنرا خود اخذ کن و شئون دنیایی که باید لله شود خود ادراک نما مثلا غذا تناول مینمائی و قصد میکنی که از برای خدا میکنی و حال آنکه از شجرۀ که مدل علی الله هست محتجب هستی که این آیه که در نفس تو است از آن شجره مشرق گشته و راجع باون میگردد در ظهور اخرای آن و گاه هست که خود از اون منع میکنی آنچه از برای او در نفس خود میکنی و همین قسم کل شئونت را مشاهده کن در دنیا که میگوئی از برای او است و از او محتجب هستی و همچنین شئون دین را ملاحظه کن تا بجوهر کلمۀ توحید منتهی گردد اگر در یوم ظهور ”من یظهره الله“ از برای او عمل کردی لله کردۀ چه گفتن ﴿لا اله الا الله﴾ باشد و چه آب خوردن و الا اگر از برای او نکنی اگر ﴿لا اله الا الله﴾ بگوئی در نار میروی و اگر آب بیاشامی شراب دون جنت آشامیدۀ

از این علم جوهر بسیط است که حین ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - حکم شد که کل ملل لدون الله عاملند اگر چه کل بکتاب خدا و رسول او در زمان خود مؤمن بوده و الآن هم هستند که ظاهر است سر آن این است که همان مطاع از یوم آدم همان رسول الله هست و کل کتب منزله قرآنی است که بر او نازل شده که در حقیقت از ظهور قبل محجوب مانده و از کتاب او چونکه نشناخته که این همان است که در ظهور بعد ظاهر شده

حال هم اگر عمل کنی لله در بیان و خارج نگردانی از حروف واحد و کل را قائم بحروف اول بینی بلکه در آنها غیر از ظهور او ظاهر نبینی در لیل اللیل لله عامل بوده ولی حین ظهور ”من یظهره الله“ اگر کل اعمالت از برای نقطه کنی که لدون الله میشود زیرا که نقطۀ بیان آنروز همان ”من یظهره الله“ است نه دون آن و همچنین حروف حی همان حروف حی او است که تو از برای آنها عامل بودۀ چگونه میشود وقتی که ظاهر میشوند عامل نیستی

این است که در نزد هر ظهوری خلق کثیر بگمان آنکه لله میکنند غرق میشوند و لدون الله میشوند و خود ملتفت نمیشوند الا من شاء الله ان یهدیه که اگر نفسی نفسی را هدایت کند بهتر است از برای او از اینکه مشرق تا مغرب را مالک شود و همچنین از برای مهتدی بهتر است از کل ما علی الارض زیرا که بهدایت بعد از موت داخل جنت میگردد ولی بما علی الارض بعد از موت آنچه مستحق است بر او نازل میآید این است که خداوند دوست میدارد که کل را هدایت کند بکلمات ”من یظهره الله“ ولی نفوس مستکبره خود مهتدی نمیشود بعضی باسم علم و بعضی بعز و هر نفسی بشیئ محتجب میگردد که در نزد موت هیچ نفع نمی بخشد او را

کمال دقت نموده که از صراط احد من السیف و ادق من الشعر بهدایت هادی کل مهتدی گشته لعل آنچه از اول عمر تا آخر لله میشود یک دفعه لدون الله نشود و خبر نشوی و الله یهدی من یشاء الی صراط حق یقین.

